

Research Article

A comparative Study of the Case of the "Rabaeb" in the Historical Record of the Children of Khadijeh (PBUH)

Marjan Bavafa^{1*}, Zahra Akhvan Moghaddam²

Abstract

"Rebaeb" means daughters of the first husband. This word is mentioned only in verse 23 of Surah Nisaa. It is well-known in history that Khadijeh was the wife of another man before marrying the Prophet (PBUH) and had daughters who would then become the Prophet's Prophet (pbuh). In this article, we will compare the interpretations of this verse and the historical accounts; the commentators did not make any reference to the children of Prophet Khadijeh. It turns out that the commentators' position was not in vain. Therefore, the Prophet's marriage with Khadijeh (AS) is only one daughter and that is Fatima (AS). Prophet Khadijeh (PBUH) did not marry before the Prophet (PBUH) and had no children. Zaynab, Ruqayyah of Kulthum loan, who came into history; daughters of Prophet Khadijeh (PBUH), who grew up only in the Prophet's skirt, and for this reason The Rebbe said.

Keywords: Rebabe, Khadija, Childhood

How to Cite: Bavafa M, Akhvan Moghaddam Z., A comparative Study of the Case of the "Rabaeb" in the Historical Record of the Children of Khadijeh (PBUH), Journal of Quranic Studies Quarterly, 2024;15(57):20-39.

1. Rafieh area, Iran

2. Associate Professor and Faculty Member of Tehran University of Quranic Sciences, Tehran, Iran

Correspondence Author: Marjan Bavafa

Receive Date: 2020.02.24

Accept Date: 2024.06.18

بررسی مصداق "ربائب" در تفاسیر فریقین و تطبیق آن با گزارش‌های تاریخی فرزندان حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها)

مرجان باوفا^۱، زهره اخوان مقدم^۲

چکیده

"ربائب" تنها در آیه ۲۳ سوره نساء آمده که به معنای دایه و دختران همسر از شوهر اول است. برخی از مفسران فریقین ذیل آیه، به مصداق آن، به‌ویژه ربائب پیامبر (ص) اشاره کرده‌اند. در گزارش‌های تاریخی مشهور است که حضرت خدیجه قبل از ازدواج با پیامبر (ص) همسر مرد دیگری بوده و دخترانی به نام‌های زینب، رقیه و ام کلثوم داشته است که در این صورت اینها ربائب پیامبر (ص) می‌شوند. در این مقاله، با مقایسه تفاسیر فریقین ذیل این آیه و تطبیق آن با گزارش‌های تاریخی مشخص می‌گردد؛ مفسران در بیان مصداق ربائب، هیچ اشاره‌ای به فرزندان حضرت خدیجه (س) نکرده‌اند. در صورتی که با وجود قرآنی از جمله بیان شاهد مثال در بعضی از تفاسیر مشخص می‌گردد که موضع مفسران سهو یا فراموشی نبوده است؛ بنابراین، ثمره ازدواج پیامبر (ص) با حضرت خدیجه (س) تنها یک دختر و آن هم حضرت فاطمه (س) است. حضرت خدیجه (س) قبل از پیامبر (ص) ازدواج نکرده و فرزندی نداشتند. زینب، رقیه و ام کلثوم که در تاریخ آمده؛ دختران خواهر حضرت خدیجه (س) بودند که تنها در دامن پیامبر (ص) بزرگ شدند و به این خاطر به آنها ربائب می‌گفتند.

واژگان کلیدی: ربائب، حضرت خدیجه، فرزند داری

۱. حوزه رفیعه، ایران

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قرآن تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول: مرجان باوفا

مقدمه و بیان مسئله

کلمه "ربائب" جمع ربیبه به معنای دختر زن از شوهر دیگر است که در کل قرآن تنها در آیه ۲۳ سوره نساء آمده است. چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخْوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا» در این آیه به معرفی محارم ازدواج می‌پردازد که عده‌ای از طریق «نَسَب» ازدواج با آنها حرام است و عده‌ای دیگر از طریق «شیردادن» و تعدادی دیگر نیز به خاطر «سبب» محرم می‌شوند. در ادامه این آیه، شرایط محرمیت دختر همسر «ربائب» بیان می‌گردد.

تفاسیر فریقین برای تبیین بیشتر آیه، به مصادیق مختلف «ربائب» در طول تاریخ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) اشاره می‌کنند و چون حضرت خدیجه (سلام الله علیها) اولین همسر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، گوهر ناشناخته‌ای است که در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) قدم به قدم حرکت کرد، اسلام را شنید و به عمق جان سپرد و به حمایت از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و آیین او برخاست و مشهور گزارش‌های تاریخی بیانگر این است که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) قبل از ازدواج با پیامبر (صلی الله علیه و آله) دو همسر و از آنها دخترانی به نام‌های رقیه، زینب و ام‌کلثوم و پسرانی چون هند و حارثه داشته است. که در این صورت دختران حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، ربائب پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌شدند؛ انتظار می‌رود که برخی از تفاسیر فریقین به این مصداق ذیل آیه ۲۳ نساء اشاره کرده باشند

براین اساس لازم است تمام تفاسیر ذیل آیه مذکور مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد و با گزارش‌های تاریخی فرزند داری حضرت خدیجه (سلام الله علیها) مقایسه گردد؛ لذا بنابراین که هیچ مفسری در موضع سهو و فراموشی نبوده باید حداقل تعدادی از مفسران به‌عنوان شاهد مثال آیه به ربائب پیامبر از حضرت خدیجه (سلام الله علیها) اشاره کنند.

بنابراین، با این بیان ابتدا باید با مفهوم‌شناسی "ربائب" آشنا شد. سپس دیدگاه تفاسیر فریقین ذیل آیه ۲۳ سوره نساء که مشتمل بر کلمه ربائب است مطرح و تحلیل گردد. در انتهای بحث گزارش‌های تاریخی مبنی بر فرزندان حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بیان شود و دلایل عقلی، نقلی و قرآنی آن مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

مفهوم‌شناسی ربائب

"ربائب" در لغت به معنای دخترخوانده (آذر نوش، ۱۳۹۳، ص ۳۵۰)، دایه (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۹۸۷ / آذرندش، ۱۳۹۳، ص ۳۵۰ / سیاح، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۳۳)، دختر زن (سیاح، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۳۳) که آن را از شوهر سابق همراه آورده باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۹۸۷)

"ربائب" جمع "ربیبة" و ریشه آن الرء و الباء به معنای مالک و صاحب است. عده‌ای از اهل لغت سه اصل برای این ریشه در نظر گرفته و "اصلاح الشیء والقیامُ علیه: اصلاح چیزی و مسئولیت آن را بر عهده گرفتن" را برای "ربیبة" دانسته‌اند. (ابن فارس، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۸۱)

برای "ربیبة" دو معنا بیان شده:

الف) "الربیبة" به معنای "الحاضنة" یعنی دایه و پرستار کودکان. (آذر نوش، ۱۳۹۳، ص ۲۰۰)

ب) ربیبة الرجل: ولد امرأته من غیره یعنی فرزند زن از شوهر دیگر.

(ابن فارس، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۸۱ / فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۵۷ / ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۰۵ / زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴ / موسی، ج ۱، ص ۹)

بعضی از علمای لغت تنها به معنای دوم اشاره کرده‌اند. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۳۶ / قرشی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۴۶ / مدنی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۴۵ / مطرزی، ج ۱، ص ۳۱۴ / ابوعبید، ج ۱، ص ۱۲۸)

"ربیب": ابن امرأة الرجل من غیره: "ربیب" پسر زنی است که در خانه شوهر دوم می‌آورد.

(زبیدی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴ / مدنی، ج ۲، ص ۴۵) جمع آن "أرباء" است. (فیومی، ج ۲، ص ۲۱۴)

"ربیبة": بنت امرأة الرجل من غیره: دختر زنی است که در خانه شوهر دوم می‌آورد.

(زبیدی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴) جمع آن "ربائب" است. (فیومی، ج ۲، ص ۲۱۴)

بنابراین، معنای اصطلاحی "ربائب" عبارت است از: دختران زنی که از شوهر اول است و به خانه شوهر دوم خود می‌آورد.

بنابراین "ربیبة" آن نادختری است که شوهر دومی زن، او را تربیت می‌کند و فقط جمع این کلمه (ربائبکم) یک‌بار در قرآن آمده است. «ربائبکم اللاتی فی حجورکم من نساءکم اللاتی دخلتم بهن...» (نساء/۲۳): دختران همسران شما که در کنار شمایند برایتان حرام می‌باشند. (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۴۶)

دیدگاه مفسران در آیه ۲۳ سوره نساء (مشمتمل بر "ربائب")

بر اساس بررسی تقریباً ۴۵۰ تفسیر ذیل آیه می‌توان مهم‌ترین آرای مفسران فریقین را به ۳ مسئله تحلیل کرد.

اکتفای مفسران به تعریف ریبیة و احکام محرمیت

بعضی از تفاسیر به تعریف «ریبیه» و احکام محرمیت آن اکتفا کرده‌اند و در مقام بیان مصداق نبوده‌اند. مثلاً: «... وَ زَبَائِكُمْ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ...»: دختران همسرانتان که از شوهران دیگر و ضمان و تربیت شما هستند بر شما حرام می‌باشند. بدون هیچ اختلافی، بودن دختر زن در تربیت و ضمان شوهر، شرط حرمت نیست و علت اینکه در اینجا ذکر شده این است که غالباً دختر زن، تحت تربیت و سرپرستی شوهر زن می‌باشد؛ بنابراین "فِي حُجُورِكُمْ" قید غالبی است نه احترازی.

چنانچه امام علی (سلام‌الله‌علیه) می‌فرماید: «الربائب عليكم حرامٌ كُنَّ فِي الْحَجْرِ أَوْ لَمْ يَكُنَّ»

(مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶ق، ج ۸، ص ۲۵۶)

(بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۶۷ / امین، بی تا، ج ۴، ص ۴۵ / طنطاوی، ۱۹۹۷م، ج ۳، ص ۱۰۶ /

فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۳۵ / ابن عرفه، ۲۰۰۸م، ج ۲، ص ۱۹ / شبر، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۸ /

بلاغی، بی تا، ج ۲، ص ۶۷ / شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۱۲ / طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۴، ص ۴۷ /

کیاهرسی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۹۶ / ابن عربی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۷۷ / قطب راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲،

ص ۸۳ / ابن ادریس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۶۷ / شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۳۴ /

نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۲۱ / مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۶۶ / رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۴،

ص ۴۷۷ / قطب، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۶۰۸ / جرجانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۴۷۷ / واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۱،

ص ۲۵۹ / مکی بن حموش، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۱۲۷۲ / یزیدی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۱۶)

اشاره مفسران به تعریف ریبیة و احکام محرمیت و مصادیق آیه بدون توجه به مصداق "ربائب"

در بعضی از تفاسیر وقتی بحث «ربائبکم» مطرح می‌شود تنها به تعریف و بیان احکام آن اکتفا

می‌کنند؛ ولی در ادامه تفسیر آیه برای (وَ حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ) مثال می‌آورند و بیان

می‌کنند که منظور زید بن حارثه (پسر خوانده پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله)) است. در اینجا این سؤال

مطرح می‌شود که وقتی مفسر در مقام بیان مصداق برای ادامه آیه است چگونه در مورد «ربائبکم» به

دختران حضرت خدیجه (س) هیچ اشاره‌ای نمی‌کند؟ بعید نیست که مفسر اعتقادی به دختران

حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علی‌ها) نداشته که شاهد مثال نیآورده است.

(زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۹۴ / طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۲۷ / بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۱،

ص ۵۹۳ / ابن جوزی، ۱۴۲۵ق، ص ۶۱ / ثلایی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۲۷ / طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۶)

/ ابوحنیان، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۵۸۰ / ابن جزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۸۶ / آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۶۵ / مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۳۲۹ / طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۴۲۰ / قرشی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۳۳۵ / طبری، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۲۱، ط ۴، ص ۴۲۰ / قرشی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۳۳۵ / طبری، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۲۱ / طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۴۷ / ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۳۰۷ / ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۲ / ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۸۹ / سمرقندی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۲)

پرداختن مفسران به مصداق "ربائب"

بعضی از تفاسیر در مقام بیان مثال برای «ربائبکم» برآمدند؛ ولی آنها نیز مصادیق مختلفی را بیان و هیچ اشاره‌ای به دختران حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) نکردند. مهم‌ترین مصادیقی که ذکر کرده‌اند عبارت‌اند از:

الف) مصداق دانستن محمد بن ابی‌بکر

یکی از مفسرین محمد بن ابی‌بکر را به‌عنوان ربیب برای حضرت علی (سلام‌الله‌علیه) از اسماء بنت عمیس مطرح می‌کند. (ابوعبیده، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۱۲۱) حال در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) ربائبی نداشتند که او این مثال را آورده است؟

ب) مصداق دانستن دره بنت ابی سلمه

بعضی دیگر از مفسرین بنت ابی سلمه را به‌عنوان ربیبه مطرح و داستانش را این‌طور بیان می‌کنند: «... ام حبیبه بنت ابی‌سفیان گفت: یا رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه و آله) ما چنان دانستیم که تو با دختر بو سلمه (دره بنت ابی سلمه) می‌خواهی ازدواج کنی؟ پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) فرمود: دختر بو سلمه که مادرش ام سلمه است که زن من است؟ گفت: آری. رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) فرمود: او ربیبه من است و در حجر من پرورش یافته و اگر ربیبه نیز نبود او باز هم حلال من نبود؛ چون او از طریق رضاع دختر برادر من است...»

(ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۱۸ / ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۸۳ / میبیدی، ۱۳۷۱ش، ج ۲،

ص ۴۶۵)

بنابراین، بعید به نظر می‌رسد که مفسر معتقد به ربائب پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) از حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) باشد؛ ولی دختران ایشان که اولین همسر پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) بودند را رها کرده و سراغ دختر همسران دیگر پیامبر برود که مدت کوتاه‌تری با پیامبر زندگی کرده و فرزندی هم برای ایشان نیاورده‌اند.

روایات در تفاسیر روایی ذیل آیه ۲۳ سوره نساء

با مراجعه به تفاسیر روایی متوجه می‌شویم که هیچ روایتی در مورد مصداق «ربائبکم» بیان نشده در صورتی که برای «حلائل ابناءکم» در ادامه آیه روایتی آمده که در شأن زید بن حارثه، پسر خوانده پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

(منسوب به قمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۱۳۵ / ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص ۹۱۲ / عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱، ص ۲۳۰ / سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۱۳۵ / حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۴۶۱ / بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۵۴ / قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ج ۳، ص ۳۶۳)

گزارش‌های تاریخی مبنی بر فرزندی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) محبوبه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) (تهرانی، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۶۱) سالار بانوان قریش بود که به خواستگاری زمامداران و امیران روزگار خویش، نه گفت، اما به خاطر کمال جویی خود را به همسری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در آورد. (حمیری، ۱۴۱۳ ق، ص ۲۲۵) نخستین زنی است که به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایمان آورد (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۲۳) و با بذل عواطف و کمک مالی خود اسلام را یاری نمود. چنانچه حضرت جبرئیل به او سلام کرد. (اربلی، ۱۳۸۱ ق، ج ۱، ص ۵۰۸) تنها زنی است که بجز ماریه قبطیه، برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرزند آورد. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق (الف)، ج ۲۲، ص ۱۵۱ / ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۱، ص ۱۴۷۰) لذا بسیار واضح است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بسیار او را دوست می‌داشتند. و در مکان‌های مختلف او را یاد می‌کرد و به دوستان ایشان توجه ویژه‌ای داشتند. چنانچه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: حضرت خدیجه (سلام الله علیها) جز یکی از ۴ زنی است که بهشت مشتاق آن می‌باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق (الف)، ج ۴۳، ص ۵۳-۵۴ / اربلی، ۱۳۸۱ ق، ج ۲، ص ۹۴) و در جای دیگر می‌فرمایند جز برترین بانوان اهل بهشت هستند: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله)، وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ أَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ» (عسقلانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۳۶۶ / ابن اثیر، ۱۴۱۵ ق، ج ۵، ص ۴۳۷)

مشهور است که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) پیش از ازدواج با رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، دو شوهر دیگر به نام‌های «عتیق بن عائد مخزومی» و «ابی هاله بن المنذر الاسدی» داشته است. (ابن اثیر، ۱۴۱۵ ق، ج ۵، ص ۴۳۴ / ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۳۶۱ / عسقلانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۸، ص ۹۹ / سبحانی، ۱۳۴۵ ش، ج ۱، ص ۱۶۴)

در مورد فرزندان او نظرات مختلف است که در ذیل به آن اشاره می‌گردد.

الف) زینب ریبیة پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله)

عده‌ای ثمره پیوند با «ابی‌هاله» را تنها فرزندی به نام «هند» می‌دانند. (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۶۳ / مجلسی، ۱۴۰۳ق (الف)، ج ۱۶، ص ۱۴۸) گاهی بیان شده که حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علی‌ها) از «عتیق بن عائذ المخزومی» نیز فرزندی به نام «حارثه» داشته که در مکه فوت شده است. (ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۱) و برخی مورخین نیز معتقدند: حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علی‌ها) از «ابی‌هاله» سه فرزند داشته به نام‌های: هند، حارث، زینب (سیره مغلطای، ص ۱۲ / نویری، ۱۴۰۵ق، ج ۱۸، ص ۱۷۱)

ب) زینب و رقیه و ام‌کلثوم بنات پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله)

مشهور معتقدند ثمره ازدواج رسول خدا (صلی‌الله‌علیه و آله) و خدیجه (سلام‌الله‌علی‌ها) شش فرزند است: ۱- قاسم ۲- عبدالله (به این دو «طاهر» و «طیب» می‌گفتند) ۳- رقیه ۴- زینب ۵- ام‌کلثوم ۶- فاطمه (س). (مجلسی، ۱۴۰۳ق (الف)، ج ۲۲، ص ۱۵۱ / شامی، ۱۴۲۰، ص ۱۹۰ / محلاتی، ۱۳۸۵ ش، ج ۲، ص ۲۶۷ / خصیبی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۹ / ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۴۰۴ / ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۰ / حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۷۶ / ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۱۴۰) پسران خدیجه (سلام‌الله‌علی‌ها) پیش از بعثت پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) از دنیا رفتند. ولی دخترانش، نبوت پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) را درک کردند. (سبحانی، ۱۳۴۵ ش، ج ۱، ص ۱۶۷) در مورد ازدواج دختران پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) از حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علی‌ها) نظرات مختلفی وجود دارد که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

أما رقیه:

الف) با عتبه بن اُبی لهب ازدواج کرد. پس او مُرد و با عثمان بن عفان ازدواج کرد. (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۰۴)

ب) با عتبه بن اُبی لهب ازدواج کرد و طلاق گرفت. (طبرسی، ۱۳۹۰ق (ب)، ص ۱۳۹)
ج) با عتبه بن اُبی لهب ازدواج کرد و طلاق گرفت. پس با عثمان بن عفان ازدواج کرد و روز بدر در مدینه مرد. (طبرسی، ۱۴۲۲ق (الف)، ص ۷۱ - جیلانی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۶۷)

أما زینب:

با اُبی العاص بن الربیع ازدواج کرد. پس دختری به اسم اُمّامه از او متولد شد و بعد از وفات حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علی‌ها)، امام علی (سلام‌الله‌علیه) با اُمّامه ازدواج کرد. زینب ۷ سال بعد از هجرت فوت می‌کند. (خصیبی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۳۹ / جیلانی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۶۸)
بعضی معتقدند اُبی العاص پسر هاله بنت خُوَیلد یعنی خواهرزاده حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علی‌ها) است. (طبرسی، ۱۳۹۰ق (ب)، ص ۱۳۹ / ابن اثیر، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۳۶)

اما ام کلثوم:

- الف) با کسی ازدواج نکرد و قبل از وفات پیامبر (ص) از دنیا رفت. (خصیصی، ۱۴۱۹، ص ۱۳۹)
- ب) بعد از خواهرش رقیه (با عثمان ازدواج کرد. (طبرسی، ۱۳۹۰، ق(ب)، ص ۱۳۹/ جیلانی، ۱۴۲۹، ق، ۲، ص ۶۸)
- ج) با عتیق ازدواج کرد. (شامی، ۱۴۲۰، ق، ص ۱۹۰)
- د) با عتبه بن ابی لهب ازدواج کرده و طلاق گرفت و بعد رقیه با عثمان ازدواج کرد. (عده‌ای از علماء، ۱۴۲۲، ق، ص ۷۱)

اما فاطمه (سلام الله علیها): با حضرت علی (سلام الله علیه) ازدواج کردند. (همه منابع مذکور)

ج) زینب و رقیه و ام کلثوم ربائب و بنات پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیستند.

برخی از محققان سعی دارند تا اثبات کنند که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در هنگام ازدواج با پیامبر (صلی الله علیه و آله) "عذرا و باکره" بوده و سن ایشان طبق روایت حدود ۲۸ سال بوده است. (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۳۸)

فرزندانی همچون رقیه، ام کلثوم و زینب از حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نبوده؛ بلکه فرزندان خواهرش هستند و آنها که به نام شوهر او معروف شده‌اند، در حقیقت، شوهران خواهرش بوده‌اند و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) پس از وفات خواهرش، سرپرستی آن فرزندان را بر عهده گرفت. (بلاذری، ۱۴۱۷، ق، ۱، ص ۹۸ / ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ق، ۱، ص ۱۵۹ / عاملی، ۱۴۱۵، ق، ۲، ص ۱۲۵ / مجلسی، ۱۴۰۳، ق (الف)، ج ۲۲، ص ۱۵۲ / مجلسی، ۱۳۷۸، (ب)، ج ۲، ص ۵۶۵ / محلاتی، ۱۳۸۵، ش، ج ۲، ص ۲۶۸)

«وَعَن ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ تَزَوَّجَهَا وَ هِيَ ابْنَةُ ثَمَانِيٍّ وَ عَشْرِينَ سَنَةً وَ مَهْرَهَا النَّبِيُّ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَوْقِيَّةً وَ كَذَلِكَ كَانَتْ مَهْرًا سَنَاهُ» (اربلی، ۱۳۸۱، ق، ۱، ص ۵۰۸)

مورخینی که معتقد به این دیدگاه هستند در کتاب‌های خود رقیه، زینب و ام کلثوم را ربائب پیامبر دانسته‌اند؛ ولی ما بر اساس اصطلاح قرآنی "ربائب"، کسی را "ربیبه" پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌دانیم که از شوهر قبلی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بوده و چون اعتقاد داریم حضرت خدیجه (سلام الله علیها) قبل از پیامبر (صلی الله علیه و آله) با کسی ازدواج نکرده پس اسم "ربائب" را بر دخترانش که ایشان سرپرستی آنها را بر عهده گرفته‌اند نمی‌گذاریم.

نقد گزارش‌های تاریخی مبنی بر فرزندداری حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

در این قسمت با دلایل نقلی و عقلی مصداق ربائب در فرزندان حضرت خدیجه (س) مقایسه می‌گردد و سپس گزارش‌های تاریخی نقد می‌شود.

الف) دلایل قرآنی

اگر زینب و رقیه "بنات" یا "رئائب" پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) بودند باید مفسران در ذیل تنها آیه‌ای که «رئائب» آمده به رئائب پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) از خدیجه (سلام‌الله‌علیها) اشاره می‌کردند! نمی‌توان بیان کرد که اصلاً مفسران در مقام بیان مثال در این آیه نبودند. چون همان‌طور که ذکر شد در ادامه تفسیر آیه ذیل «حلائل أبنائکم» بیان شد که مثال آن را می‌توان زید بن حارثه پسر خوانده پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) دانست و یا بعضی از مفسران بنت ام سلمه را مثال «رئائبکم» مطرح کردند. موارد دیگری نیز در آرای مفسران دیده می‌شود از جمله:

- زمخشری چطور برای من ابتدائیه بنات حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) را مثال می‌آورد. ولی در بیان مصداق «رئائبکم» سکوت می‌کند. (رئائبکم من نسائکم اللاتی دخلنکم بهن فانک جاعل منهن) «ابتداء الغایة كما تقول: بنات رسول الله (ص) من خدیجه» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۹۴)

- افزون بر تفاسیر، کتب لغت نیز در مورد رئائب پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) از حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) صحبتی نکردند. با بررسی ۲۱ کتاب لغت ذیل کلمه «رئیبه» به این نتیجه می‌رسد که تنها بعضی از آنها که در مقام بیان مثال برآمده‌اند عاصم بن عمر بن خطاب را که پسر ام سلمه بود به‌عنوان ریبب پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) بیان کردند.

(ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۰۱ / ابو عبید، ج ۱، ص ۱۲۸ / زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴)

ب) دلایل روایی و تاریخی

رقیه و زینب دختران خواهر حضرت خدیجه هستند:

حضرت خدیجه خواهری به نام «هاله» داشته و شوهرهاله (ابو هند) از زن دیگرش «زینب و رقیه» متولد می‌شوند. هند پسر هاله به خانواده پدرش می‌پیوندد و هاله با دو دختران مرد تمیمی (زینب و رقیه) تحت حمایت حضرت خدیجه قرار می‌گیرند. بعد از ازدواج حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) با پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) هاله درگذشت و زینب و رقیه در خانه حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) و پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) زندگی می‌کردند و در عرف عرب دختر خوانده، دختر محسوب می‌شد. به همین دلیل این دو دختر را به پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) نسبت می‌دادند. (طبرسی، ۱۴۱۴ق (ج)، ص ۶)

عذرا بودن حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها):

زمانی که حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) با پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) ازدواج کردند باکره (عذرا) بودند؛ بنابراین یقیناً زینب و رقیه دختران حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) نبودند. (وَرَوَى أَحْمَدُ الْبَلَاذِرِيُّ وَ أَبُو الْقَاسِمِ الْكُوفِيُّ فِي كِتَابَيْهِمَا وَ الْمُرْتَضَى فِي الشَّافِي وَ أَبُو جَعْفَرٍ فِي

التَّلْخِيسِ - أَنَّ النَّبِيَّ ص تَزَوَّجَ بِهَا وَ كَانَتْ عَدْرَاءَ يُوكِّدُ ذَلِكَ مَا ذُكِرَ فِي كِتَابِي الْأَنْوَارِ وَالْبِدْعِ أَنَّ زَيْنَةَ وَ زَيْنَبَ كَانَتَا ابْنَتِي هَالَةَ أُخْتِ خَدِيجَةَ.» (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۱۵۹ / مجلسی، ۱۴۰۳ق (الف)، ج ۲۲، ص ۱۹۹)

متناقض بودن بعضی از دلایل تاریخی:

۱- ابوهاله: در تاریخ با نام‌های مختلف بیان شده است. (اضطراب دلایل تاریخی)
 اَبی هَالَةَ بْنِ الْمَنْذَرِ الْأَسَدِيِّ (ابن اثیر، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۴۳۴ / ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۶۱)
 ابوهاله بن زراره تمیمی (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۶۳)
 ابی هَالَةَ زَرَارَةَ بْنِ نَبَاشِ الْأَسَدِيِّ (مجلسی، ۱۴۰۳ق (الف)، ج ۱۶، ص ۱۰)
 ۲- هند: دو داستان تاریخی متناقض برای آن ذکر شده
 ۱-۲- در کودکی فوت کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق (الف)، ج ۱۶، ص ۱۰ / محلاتی، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۲۰۲)

۲-۲- «هند» همان کسی است که همراه امام علی (سلام الله علیه) در غار ثور برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) غذا می‌آورد. (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۶۳) و امام حسن (سلام الله علیه) به عنوان دایی خود از وی نام می‌برد. بت‌های مشرکان را می‌شکست. در جنگ جمل در رکاب امام علی (سلام الله علیه) به شهادت رسید. (طبرسی، ۱۴۱۴ق (ج)، ص ۱۱)

۳- اختلافی که در تعداد فرزندان حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و پیامبر (صلی الله علیه و آله) وجود دارد. (محلاتی، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۲۶۷) و ترتیب سنی آنها که بعضی رقیه را بزرگ‌تر می‌دانند. (سبحانی، ۱۳۴۵ش، ج ۱، ص ۱۶۷) و بعضی زینب را و اختلاف نظر در تولد آنها در قبل و یا بعد بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۳۹)
 (ر. ک. عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۶۱۲-۶۱۱ / ابن اثیر، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳-۱۲ و ۷۱ / بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۹۸)

۴- اختلافی که در داستان ازدواج‌های ام کلثوم و رقیه وجود دارد. (رجوع شود به ص ۷ و مقاله)

عدم بیان "بیوه بودن" برای سرزنش حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

روایاتی با مضمون متعدد آمده است که روزی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) از حضرت خدیجه (سلام الله علیها) یاد کردند. (عایشه گفت: او فقط پیرزنی بود؟ خدا، بهتر از او به شما داده است.) (ابن اثیر، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۴۳۸) یا در روایتی دیگر (عایشه گفت: چرا بر پیرزنی از پیرزنان بنی اسد می‌گریی؟ نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: او مرا تصدیق کرد، هنگامی که شما مرا تکذیب کردید؛ بر من ایمان آورد؛ وقتی شما به من کافر بودید و برای من فرزند آورد، هنگامی که شما عقیم هستید.) (مجلسی، ۱۴۰۳ق (الف)، ج ۱۶، ص ۱۲ و ۸)

از این روایات مشخص می‌شود که عایشه در مقام سُخره گرفتن و سرزنش حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) بوده است. او نهایت دشمنی و عداوتش را با بیان کلمه "پیرزن" به ظهور می‌رساند. حال اگر خدیجه (سلام‌الله‌علیها) پیش از پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) ازدواج کرده و از آنها فرزندان متعددی داشتند «بیوه بودن» ایشان سزاوار سرزنش و سُخره گرفتن نبود؟! در حالی که کسی مسخره می‌کند که برای او روایات متعددی بیان شده در هنگام ازدواج با پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) هنوز به سن بلوغ نرسیده تا بر باکره بودن او تأکید بیشتری کنند. (قشیری نیشابوری، ۱۴۱۲ق، باب تزویج الأب البکر الصغیرة)

ج) دلایل عقلی

وجود خواستگاران ثروتمند:

چطور عقل سلیم می‌پذیرد که حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) با یک اعرابی از قبیله «بنی تمیم» ازدواج کرده و از ازدواج با سران قریش خودداری نموده باشد. چطور سروران قریش که از ایشان خواستگاری کردند و حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) آنها را رد کرد، او را متهم به عیب‌و عار ساختند که چرا با وجود این همه خواستگار، با یک اعرابی ازدواج کرده است؟ آیا می‌توان پذیرفت که حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) در ازدواج با پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) از ناحیه «قریش» مورد ملامت قرار گرفته، اما در ازدواج با یک اعرابی هیچ سرزنشی نشده باشد. (تهرانی، ۱۳۹۴ش، ص ۷۵)

هم کفو با کافر:

در آیه‌ای از قرآن آمده: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (نور/ ۲۶)

بر اساس این آیه چگونه حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) در دوران جوانی هم کفو دو مرد خبیث (دو مرد کافر) شدند. ولی بعد از چند سال به مقامی رسیدند که شایستگی کفویت با پاک‌ترین مرد را پیدا کردند. کسی که لیاقت دریافت وحی را داشت. چگونه دخترشان حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) در صورت نبود حضرت علی (سلام‌الله‌علیه) هیچ کس شایستگی ازدواج با ایشان را نداشت و هم کفوی برایشان نبود. ولی این قانون برای مادر بزرگوارشان صدق نکرد.

مخالف اخلاق حسنه پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله)

بعضی از تاریخ‌نگاران معتقدند که ثمره ازدواج پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) و حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها)، ۴ دختر به نامهای زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه (سلام‌الله‌علیها) است. بنابراین پیامبری که طبق آیه قرآن «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم / ۴) هستند محال است که بین فرزندانشان تفاوتی قائل شوند. به خصوص در مورد دختر که خودشان سفارشات خاصی داشتند. در صورتی که در تاریخ موارد متعددی بیان شده که پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) به حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها)

توجهات ویژه‌ای داشتند از جمله اینکه می‌فرمایند هرکس فاطمه (سلام الله علی‌ها) را اذیت کند من را اذیت کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق (الف)، ج ۳۰، ص ۳۵۳) یا جریان مباحله، حدیث کساء و... ولی در مورد دختران دیگر حضرت چنین مطالبی دیده نمی‌شود. اگر بگوییم توجه خاص پیامبر به حضرت فاطمه (سلام الله علی‌ها) به خاطر شرایط خاص تشکیل نطفه ایشان است. (به فرمان خدا قبل از تشکیل نطفه چهل شبانه روز به دور از دیگران به عبادت سپری و بعد مائده بهشتی میل کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق (الف)، ج ۱۶، ص ۷۹)) در اینجا دختران دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌توانند نعوذبالله به خدا اعتراض کنند که از یک پدر و مادر یک نفر حضرت فاطمه (سلام الله علی‌ها) می‌شود که اگر حضرت علی (سلام الله علیه) نبود هم کفو دیگری نداشت و طرف دیگر زینب و رقیه که کفویت آنها طبق روایات تاریخی همسران کافر می‌باشد. (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۰۴) پس بعید به نظر می‌رسد که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) دختری غیر از حضرت فاطمه (سلام الله علی‌ها) داشته باشند.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که زینب و رقیه نه دختر (بنت) پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده و نه ربیبه به معنای اصطلاح قرآنی، بلکه دختر خوانده‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند. چون در سیره حضرت خدیجه (سلام الله علی‌ها) بیان شده که بسیار به ایتمام توجهی خاص داشتند. به مراتب یتیم‌نوازی ایشان نسبت به خویشاوندان بیشتر بوده است.

علت شهرت روایات فرزند داری حضرت خدیجه (سلام الله علی‌ها)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حضرت خدیجه (سلام الله علی‌ها) را بسیار دوست می‌داشتند. در مکان‌های مختلف از ایشان یاد می‌کردند. چنان چه عایشه چندین بار به زبان خود بیان کرده که هرگاه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) یاد حضرت خدیجه (سلام الله علی‌ها) می‌کرد به او حسادت می‌کردم و به احدی از زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به اندازه حضرت خدیجه (سلام الله علی‌ها) غیرت نداشتم. (صحیح مسلم، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۷۱) عایشه نه تنها به حضرت خدیجه (سلام الله علی‌ها) رشک می‌برد بلکه به دخترش حضرت فاطمه (سلام الله علی‌ها) و دامادش حضرت علی (سلام الله علیه) هم رشک می‌برد. (ابن طلوس، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۲۹۲) با این توضیحات مشخص می‌شود که به خاطر حسادت عایشه و فضیلتی که حضرت خدیجه (سلام الله علی‌ها) داشته پژوهشگران در جهت فضیلت تراشی عایشه او را تنها زن باکره پیامبر (صلی الله علیه و آله) دانسته و برای حضرت خدیجه (سلام الله علی‌ها) قبل از ازدواج با پیامبر (صلی الله علیه و آله) دو همسر بیان کردند.

دلایل منفرد بودن حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) برای فرزندی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

آوسی در آیه "ربائبکم" تنها به بیان تعریف و احکام اکتفا کرد و برای ادامه آیه زید بن حارثه را مثال آورد. (آوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۶۵) ولی در ذیل آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب/۵۹) شبهه‌ای را مطرح می‌کند و می‌گوید: «بناتک» در این آیه نظر شیعیان را رد می‌کند که معتقدند پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تنها یک دختر به نام فاطمه (سلام‌الله‌علیها) داشت؛ چون آیه "بنت" را به صورت جمع آورده است. (آوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۶۵)

شبهه او را به سادگی می‌توان جواب داد که آیات زیادی در قرآن وجود دارد که کلمه‌ای به صورت جمع آمده؛ ولی یک نفر منظور آیه بوده است. از جمله آنها می‌توان آیه مباحله را نام برد: «فَقُلْ نَعَالُوا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمُ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمُ...» (آل عمران ۶۱) در ماجرای مباحله تنها حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها)، حسنین (علیهم‌السلام) و امام علی (سلام‌الله‌علیه) همراه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمدند ولی آیه به صورت جمع (نساءنا) بیان شده است. (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۵۹)

بنابراین، ثمره ازدواج پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) تنها یک دختر و آن هم حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) بود و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) ربائب به اصطلاح قرآنی نداشتند. پس حضرت خدیجه قبل از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ازدواجی نکرده و عذرا بودند و فرزندی نداشتند. زینب، رقیه و ام‌کلثوم دختران خواهر حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) بودند که در دامن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بزرگ شدند و در نتیجه ربائب پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هستند؛ ولی به معنای کسی که آنها را پرورش داده است.

نتیجه‌گیری

۱- "ربائب" جمع "ربیبه" دارای دو معنای دایه و دختر زن از شوهر دیگر است.
 ۲- "ربائب" تنها یک بار در قرآن، آیه ۲۳ سوره نساء آمده و بسامد قرآنی آن دختر زن از شوهر سابق است.

۳- دیدگاه مفسران در ذیل آیه "ربائبکم" به ۳ دسته تقسیم می‌شود: عده‌ای از آنها تنها به تعریف "ربیبه" و احکام محرمیت اکتفا کرده‌اند و عده‌ای دیگر علاوه بر مطالب مذکور در مقام بیان مصادیق آیه بوده ولی اشاره‌ای به مصداق "ربائبکم" نکرده در صورتی که در ادامه تفسیر آیه مصداق "حلائل ابنائکم" را زیدبن حارثه بیان کردند و گروه آخر از مفسران در مقام بیان مصداق "ربائبکم" برآمده ولی محمدبن ابی بکر را ربیب حضرت علی (سلام‌الله‌علیه‌وآله) و دره بنت ام سلمه را ربیبه

پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان شاهد مثال بیان کردند. بنابراین اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) از حضرت خدیجه (س) ربائبی داشتند حتماً باید مفسران در ذیل آیه به آن اشاره می‌کردند. ۴- گزارش‌های تاریخی متفاوتی مبنی بر فرزند داری حضرت خدیجه (سلام الله علی‌ها) بیان شده: گاهی زینب ربیبة پیامبر (صلی الله علیه و آله) و گاهی زینب، رقیه و ام کلثوم را بنات پیامبر (صلی الله علیه و آله) معرفی کردند. نظر دیگر گزارش می‌دهد؛ حضرت خدیجه (سلام الله علی‌ها) قبل از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ازدواج نکرد و باکره بود و زینب، رقیه و ام کلثوم خواهر زاده‌های حضرت خدیجه (سلام الله علی‌ها) هستند.

۵- در نهایت، گزارش‌های تاریخی مبنی بر فرزندداری حضرت خدیجه (سلام الله علی‌ها) با دلایل مختلف نقلی و عقلی نقد و بررسی و در آخر اثبات می‌گردد؛ ثمره ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله) با حضرت خدیجه (سلام الله علی‌ها) تنها یک دختر و آن هم حضرت فاطمه (سلام الله علی‌ها) بود و پیامبر (صلی الله علیه و آله) از حضرت خدیجه (سلام الله علی‌ها) "ربائب" به اصطلاح قرآنی نداشتند. بنابراین حضرت خدیجه (سلام الله علی‌ها) قبل از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ازدواجی نکرده و عذرا بودند و فرزندى نداشتند. زینب، رقیه و ام کلثوم دختران خواهر حضرت خدیجه (سلام الله علی‌ها) بودند که در دامن پیامبر (صلی الله علیه و آله) بزرگ شدند و در نتیجه ربائب پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند ولی به معنای کسی است که آنها را پرورش داده است.

منابع

قرآن کریم

آذرنوش، آذرتاش، ۱۳۹۳ ش، "فرهنگ معاصر عربی به فارسی"، نشر نی، چاپ شانزدهم.

آلوسی، محمودبن عبدالله، ۱۴۱۵ ق، "روح المعانی فی تفسیرالقرآن العظیم والسبع المثانی"، ۱۶ جلد، دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، لبنان، بیروت، چاپ اول.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ ق، "تفسیرالقرآن العظیم (ابن ابی حاتم)"، ۱۳ جلد، مکتبة نزار مصطفی الباز، عربستان، ریاض، چاپ سوم.

ابن ادریس، محمدبن احمد، ۱۴۰۹ ق، "المنتخب من تفسیرالقرآن والنکت المستخرجة من کتاب التبیان"، ۲ جلد، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ایران، قم، چاپ اول.

ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲ ش، "الخصال"، ۲ جلد، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول.

ابن جزی، محمد بن احمد، ۱۴۱۶ ق، "التسهیل لعلوم التنزیل"، ۲ جلد، شركة دارالأرقم بن أبی الأرقم، لبنان، بیروت، چاپ اول.

- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۵ق، "تذکره الأریب فی تفسیرالغریب (غریب القرآن الکریم)"، ۱، جلد، دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، لبنان، بیروت، چاپ اول.
-، ۱۴۲۲ق، "زادالمسیر فی علم التفسیر"، ۴، جلد، دارالکتب العربی، لبنان، بیروت، چاپ اول.
- ابن حیون، نعمان بن محمد، ۱۴۰۹ق، "شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار (ع)"، ۳، جلد، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ق، "مناقب آل أبی طالب (ع) (لابن شهر آشوب)"، ۴، جلد، قم، چاپ اول.
- ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۰۰ق، "الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف"، ۲، جلد، خیام، ایران، قم، چاپ اول.
- ابن عربی، محمد بن عبدالله، ۱۴۰۸ق، "احکام القرآن (ابن عربی)"، ۴، جلد، دارالجیل، لبنان، بیروت، چاپ اول.
- ابن عرفه، محمد بن محمد، ۲۰۰۸م، "تفسیر ابن عرفه"، ۴، جلد، دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، لبنان، بیروت، چاپ اول.
- ابن عطیة، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ق، "المحرر الوجیز فی تفسیرالکتاب العزیز"، ۶، جلد، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
- ابن کثیر الدمشقی الشافعی، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ق، "تفسیرالقرآن العظیم (ابن کثیر)"، ۹، جلد، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
-، ۱۴۰۸ق، "البدایة والنهایة"، تحقیق: علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۱۴ق، "معجم مقاییس اللغة"، ۶، جلد، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، بی نا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ه. ق. "لسان العرب"، عربی، دار صادر، بیروت، چاپ سوم.
- ابوالحسن علی بن ابی الکریم محمد (ابن اثیر جزری)، ۱۴۱۵ق، عزالدین علی، "اسد الغابة فی معرفة الصحابة"، تحقیق: شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، "روض الجنان وروح الجنان فی تفسیرالقرآن"، ۲۰، جلد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ایران، مشهد مقدس، چاپ اول.
- ابو حیان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ق، "البحر المحیط فی التفسیر"، ۱۱، جلد، دارالفکر، لبنان، بیروت، چاپ اول.
- ابوعبید، قاسم بن سلام، ۱۹۸۹م، "الغریب المصنف"، المؤسسة الوطنية للترجمة والتحقیق والدراسات (بيت الحكمة) ابوعبیده، معمر بن مثنی، ۱۳۸۱ق، "مجاز القرآن"، ۲، جلد، مکتبة الخانجی، مصر، قاهره، چاپ اول.
- اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ق، "کشف الغمة فی معرفة الأئمة" (ط - القديمة)، ۲، جلد، بنی هاشمی، تبریز، چاپ اول.
- امین، نصرت بیگم، بی تا، "تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن"، ۱۵، جلد، چاپ اول.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ق، "البرهان فی تفسیرالقرآن"، ۵، جلد، مؤسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلامية، ایران، قم، چاپ اول.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، "تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل"، ۵، جلد، داراحیاء التراث العربی، لبنان، بیروت، چاپ اول.

بلاذرى، احمد بن يحيى، ١٤١٧ق، "انساب الاشراف"، تحقيق: دكتور سهيل زكار و دكتور رياض زركلى، بيروت، دارالفكر، چاپ اول.

بلاغى، محمدجواد، بى تا، "آلاء الرحمن فى تفسير القرآن"، ٢جلد، وجدانى، ايران، قم، چاپ اول.

بيضاوى، عبدالله بن عمر، ١٤١٨ق، "أنوار التنزيل وأسرار التأويل (تفسير البيضاوى)"، ٥جلد، دارإحياء التراث العربى، لبنان، بيروت، چاپ اول.

تهرانى، حسين، ١٣٩٤ش، "خصائص ام المؤمنين خديجة الكبرى (س)"، نشر طوباي محبت، قم.

ثعلبى، احمد بن محمد، ١٤٢٢ق، "الكشف والبيان المعروف تفسير الثعلبى"، ١٠جلد، دارإحياء التراث العربى، بيروت، چاپ اول.

ثلاثى، يوسف بن احمد، ١٤٢٣ق، "تفسير الثمرات البانعه والاحكام الواضحه القاطعه"، مكتبة التراث الإسلامى، چاپ اول.

جرجانى، ابوالفتح بن مخدوم، ١٣٦٢ش، "تفسيرشاهى آوايات الأحكام (جرجانى)"، ٢جلد، نويد، ايران، تهران، چاپ اول.

جرجانى، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، ١٤٣٠ق، "درج الدررفى تفسير القرآن العظيم"، ٢جلد، دارالفكر، اردن، عمان، چاپ اول.

جيلانى، رفيع الدين محمد بن محمد بن محمد مؤمن، ١٤٢٩ق، "الذريعة إلى حافظ الشريعة (شرح أصول الكافى جيلانى)"، ٢جلد، دارالحديث، ايران، قم، چاپ اول.

حويزى، عبدعلى بن جمعه، ١٤١٥ق، "تفسير نور الثقلين"، ٥جلد، اسماعيليان، ايران، قم، چاپ چهارم.

حسينى زبيدى، محمد مرتضى، ١٤١٤ق، "تاج العروس من جواهر القاموس"، ٦جلد، نشر دارالفكر، بيروت.

خصبى، حسين بن حمدان، ١٤١٩ق، "الهداية الكبرى"، ١جلد، البلاغ، بيروت.

دهخدا، على اكبر، ١٣٧٧ش، "لغت نامه"، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

راغب اصفهانى، ابوالقاسم حسين بن محمد، ١٤٢٣ق، "مفردات الفاظ قرآن"، قم، نشر شريعت، چاپ دوم.

رسعنى، عبدالرزاق بن رزق الله، ١٤٢٩ق، "رموز الكنوز فى تفسير الكتاب العزيز"، ٩جلد، مكتبة الأسدى، عربستان، مکه مكرمه، چاپ اول.

رضا، محمدرشيد، ١٤١٤ق، "تفسير القرآن الحكيم الشهير بتفسير المنار"، ١٢جلد، دار المعرفة، لبنان، بيروت، چاپ اول.

زمخشرى، محمود بن عمر، ١٤٠٧ق، "الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل وعيون الأقاويل فى وجوه التأويل"، ٤جلد، دارالكتاب العربى، لبنان، بيروت، چاپ سوم.

سبحانى، جعفر، ١٣٤٥، "فروع ابدیت"، ج ١، دفتر تبليغات حوزه علميه قم.

سمرقندى، نصر بن محمد، ١٤١٦ق، "تفسير السمرقندى المسمى بحرا العلوم"، ٣جلد، دارالفكر، لبنان، بيروت، چاپ اول.

سياح، احمد، ١٣٧٧ش، "فرهنگ بزرگ جامع نوين (عربى به فارسى) (ترجمه المنجد)"، انتشارات اسلام.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، ۱۴۰۴ق، "الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور"، ۶ج، کتابخانه عمومی مرعشی نجفی (ره)، قم، چاپ اول.

شامی، یوسف بن حاتم، ۱۴۲۰ق، "الدرالنظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم"، ۱جلد، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول.
شبر، عبدالله، ۱۴۰۷ق، "الجواهر الثمین فی تفسیرالکتاب المبین"، ۶جلد، شرکت مکتبة الالفین، کویت، کویت، چاپ اول.

شوکانی، محمد، ۱۴۱۴ق، "فتح القدر"، ۶جلد، دار ابن کثیر، سوریه، دمشق، چاپ اول.

شیبانی، محمدبن حسن، ۱۴۱۳ق، "نهج البیان عن کشف معانی القرآن"، ۵جلد، نشرالهادی، ایران، قم، چاپ اول.
طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷ق، "المیزان فی تفسیر القرآن"، ۲۰جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌نا.
طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸م، "التفسیر الکبیر: تفسیرالقرآن العظیم (الطبرانی)"، ۶جلد، دارالکتاب الثقافی، اردن، اربد، چاپ اول.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ق، "تفسیرجوامع الجامع"، ۴جلد، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ایران، قم، چاپ اول.

.....، ۱۴۱۴ق (ج)، "مکارم الاخلاق"، تحقیق: علاء آل جعفر، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.

.....، ۱۴۲۲ق، "تاج الموالید"، ۱جلد، دارالقاری، بیروت، چاپ اول.

.....، ۱۳۷۲ش، "مجمع البیان فی تفسیر القرآن"، ۱۰جلد، ناصر خسرو، ایران، تهران، چاپ سوم.

طبری، محمدبن جریر، ۱۴۱۲ق، "جامع البیان فی تفسیر القرآن" (تفسیر الطبری)، ۳۰جلد، دارالمعرفة، لبنان، بیروت، چاپ اول.

طنطاوی، محمدسید، ۱۹۹۷م، "التفسیر الوسیط للقرآن الکریم"، ۱۵جلد، نهضة مصر، مصر، قاهره، چاپ اول.
طوسی، محمدبن حسن، بی‌تا، "التبیان فی تفسیر القرآن"، ۱۰جلد، دار إحياء التراث العربی، لبنان، بیروت، چاپ اول.

.....، ۱۴۱۴ق، "امالی"، تحقیق: مؤسسه بعثت، دارالثقافه، قم، چاپ اول.

طیب، عبدالحسین، ۱۳۶۹ش، "اطیب البیان فی تفسیر القرآن"، ۱۴جلد، اسلام، ایران، تهران، چاپ دوم.
عاملی، جعفر مرتضی، ۱۴۱۵ق، "الصحيح من سيرة النبي الاعظم (ص)"، دارالهادی، بیروت.

.....، بی‌تا، "بنات النبي (ص) أم ربائیه".

عده‌ای از علماء، ۱۴۲۲ق، "مجموعه نفیسه فی تاریخ الأئمة (ع)"، ۱جلد، دار القاری، بیروت، چاپ اول.

عسقلانی، شهاب الدین، ۱۴۱۵ق، "الاصابة فی تمیزالصحابه"، تحقیق: شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.

عباشی، محمدبن مسعود، ۱۳۸۰ق، "التفسیر" (تفسیر العیاشی)، ۲جلد، مکتبة العلمیة الاسلامیة، ایران، تهران، چاپ اول.

فخررازی، محمدبن عمر، ۱۴۲۰ق، "التفسیر الكبير" (مفاتیح الغیب)، ۳۲جلد، دار إحياء التراث العربی، لبنان، بیروت، چاپ سوم.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، "العین"، هجرت، قم، چاپ دوم.

فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، ۱۴۱۵ه.ق، "تفسیر الصافی"، ۵جلد، مکتبۃ الصدر، ایران، تهران، چاپ دوم.

فیومی، احمدبن محمد، ۱۴۱۴ق، "المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی"، دارالهجره، قم.

قرشی بنابی، علی اکبر، ۱۳۷۵ش، "تفسیر احسن الحدیث"، ۱۲جلد، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، ایران، تهران، چاپ دوم.

.....، ۱۳۷۸ش، "قاموس قرآن"، جلد ۵، دارالکتب الاسلامیة، بی نا.

القشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج، ۱۴۱۲ق، "صحیح مسلم"، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، القاهرة عبدالباقی، القاهرة، دارالحدیث، چاپ اول.

قطب، سید، ۱۴۲۵ق، "فی ظلال القرآن"، ۶جلد، دارالشروق، لبنان، بیروت، چاپ سی و پنجم.

قطب راوندی، سعیدبن هبه الله، ۱۴۰۵ق، "فقه القرآن" (راوندی)، ۲جلد، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ایران، قم، چاپ دوم.

قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا، ۱۳۶۸ش، "تفسیر کنزالدقائق و بحرالغرائب"، ۱۴جلد، ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ایران، تهران، چاپ اول.

کاشانی، فتح الله بن شکرالله، بی تا، "منهج الصادقین فی إلزام المخالفین"، ۱۰جلد، کتابفروشی اسلامیة، ایران، تهران، چاپ اول.

کیاهراسی، علی بن محمد، ۱۴۲۲ق، "احکام القرآن" (کیاهراسی)، ۴جلد، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، لبنان، بیروت، چاپ اول.

ماتریدی، محمدبن محمد، ۱۴۲۶ق، "تأویلات أهل السنة" (تفسیر الماتریدی)، ۱۰جلد، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، لبنان، بیروت، چاپ اول.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق (الف)، "بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار" (ط - بیروت)، ۱۱۱جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم.

.....، ۱۳۷۸ش (ب)، "حیوة القلوب"، نشر اسلامیة، تهران، بی نا.

مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، ۱۴۰۶ق، "روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه" (ط-القديمة)، ۱۴جلد، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم، چاپ دوم.

محلّاتی، ذبیح اله، ۱۳۸۵ش، "ریاحین الشریعة فی احوال النساء الشیعة"، تهران، دارالکتب الاسلامیة.

مدنی، علیخان بن احمد، ۱۴۲۶ق، "الطراز الاول والکناز لما علیه من لغة العرب المعول"، مؤسسه آل البيت (ع) لایحیاء التراث، ۱۴ج، مشهد مقدس.

مطرزی، ناصر بن عبدالسید، ۱۳۹۹ق، "المغرب فی ترتیب العرب"، مکتبۃ اسامة بن زید، حلب سوریه.

مغلطای بن کلیچ، ۱۴۱۶ق، "الانشارة الی سیرة المصطفی و تاریخ من بعده من الخلفاء"، دارالقلم والدارالشامیة، بیروت.

مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، "تفسیر مقاتل بن سلیمان"، ۵جلد، دار إحياء التراث العربی، لبنان، بیروت، چاپ اول.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ ش، "تفسیرنمونه"، ۲۸ جلد، دارالکتب‌الاسلامیه، ایران، تهران، چاپ دهم.
مکی بن حموش، ۴۲۹ ق، "الهدایة إلى بلوغ النهایة"، ۱۳ جلد، جامعة الشارقة، كلية الدراسات العليا والبحث العلمی، امارات، چاپ اول.

منسوب به قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ ش، "تفسیرالقمی"، ۲ جلد، دارالکتب، ایران، قم، چاپ سوم.
موسی، حسین یوسف، ۱۴۱۰ ق، "الإفصاح فی فقه اللغة"، مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر.
میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ ش، "کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)"، ۱۰ جلد، امیرکبیر، تهران، چاپ پنجم.

نسفی، عبدالله بن احمد، ۱۴۱۶ ق، "تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقایق التاویل"، ۴ جلد، دارالنفائس، لبنان، بیروت، چاپ اول.

نوبری، شهاب‌الدین، ۱۴۰۵ ق، "نهایة الارب فی فنون الأدب" مطبعة دارالکتب المصرية، مصر، قاهره.
واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۵ ق، "الوجیز فی تفسیرالکتاب العزیز (واحدی)"، ۲ جلد، دار القلم، لبنان، بیروت، چاپ اول.

یزیدی، عبدالله بن یحیی، ۱۴۰۵ ق، "غریب القرآن و تفسیره"، ۱ جلد، عالم‌الکتب، لبنان، بیروت، چاپ اول.
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، "تاریخ یعقوبی"، بیروت، دارصادر.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: باوفا مرجان، اخوان مقدم زهره، بررسی مصداق "ربائب" در تفاسیر فریقین و تطبیق آن با گزارش‌های تاریخی فرزندان حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها)، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۵، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۳، صفحات ۳۹-۲۰.